

بازخوانی کاربرست قرآن مجید در انقلاب اسلامی «با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی»

دریافت: ۹۹/۲/۶

تأیید: ۹۹/۹/۵

رضا لکزایی*

چکیده

بازخوانی کاربرست قرآن مجید در انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب کبیر آن، حضرت امام خمینی ۱، هدف مقاله حاضر است. با توجه به این‌که انقلاب اسلامی برآمده از قرآن و دارای پیام جهانی و عرصه کارزار با دشمنان داخلی و خارجی بوده، در مقاله حاضر به کاربرست آموزه‌های قرآن مجید در سه عرصه ملی، جهان اسلام و جهانی پرداخته است. این کار با بهره‌گیری از روش استقرا انجام شده است. یافته تحقیق حکایت از آن دارد که امام خمینی توانسته است با «تطبیق» حوادث و جریان‌ها گوناگون و پیچیده، بر آیات قرآن مجید، تحلیل‌های دقیق و راه‌های کارگشا ارائه نماید. از آن‌جا که امام خمینی بر اساس یک سیستم نظری این روش را ارائه نموده و به صورت عملی آن را به کار بسته، می‌توان از آن در تحلیل و بررسی حوادث نوپدید سیاسی و اجتماعی و نیز اسلامی‌سازی علوم انسانی و مخصوصاً علوم سیاسی استفاده نمود.

واژگان کلیدی

امام خمینی، اندیشه سیاسی امام خمینی، انقلاب اسلامی، قرآن مجید

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق 7: rezalakzaee@yahoo.com



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بدون شک قرآن مجید در انقلاب اسلامی تأثیر داشته، تا جایی که مشهور شده کتاب انقلاب ما قرآن مجید است. این تأثیر را می‌توان در آغازین جرقه‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ و اعتراض امام خمینی^۱ به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که یکی از مفاد آن حذف سوگند به قرآن کریم و جایگزین کردن آن با سوگند به یکی از کتب آسمانی نشان داد (عمید زنجانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۷ و مدنی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۲۲). البته نقش قرآن به قبل از این و به سال ۱۳۲۳ تا دوران مبارزات انقلاب اسلامی، پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی بر اساس آموزه‌های قرآن و اداره کردن دفاع مقدس بر مبنای آیات قرآن کریم و دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی مبتنی بر قرآن مجید برمی‌گردد. از طرف دیگر، شاه برای فریب مردم، در برهه‌ای اقدام به چاپ قرآن کرد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷) که این نشان‌دهنده تأثیر قرآن نزد مخالفان قرآن است.

امام خمینی از قرآن مجید و آنان که درس قرآن خوانده‌اند، به سان سدی نام می‌برد که مانع نفوذ غربی‌ها در ایران می‌باشند. از این همین رو، استعمار به فکر تبلیغ علیه قرآن و جداکردن مسلمین از قرآن بوده و هست (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۱۵). امام خمینی از قرآن به عنوان یک منبع اصلی قدرت نام می‌برد که آمریکا و غرب، به دنبال ضربه زدن به آن هستند تا بتوانند ثروت ملل مسلمان را غارت کنند: «این منطق اجانب است که می‌خواهند مال شما را بخورند؛ می‌خواهند ما را از قرآن منفصل کنند تا این‌که پشتوانه‌ای نداشته باشیم؛ مثل قدرت قرآنی پشت سر ما نباشد» (همان، ص ۲۱۶). تلاش مقاله حاضر معطوف به نشان‌دادن نمونه‌های جزئی و عینی استناد امام خمینی^۱ به قرآن کریم است که ایشان از آن به «تطبیق» تعبیر می‌کنند. برای این‌که قلمرو تحقیق، محدود و مشخص باشد، بیش‌تر به آن دیدگاه‌های حضرت ایشان، با روش استقرایی اشاره می‌کنیم که بر اساس دلالت مطابقی ناظر به حوادث و مسائل انقلاب اسلامی باشد. انقلاب اسلامی در یک منطقه جغرافیایی مشخص به نام ایران رخ

داده است، اما دارای پیام جهانی و عرصه کارزار با دشمنان داخلی و خارجی بوده است. بنابراین، بحث از انقلاب در عرصه ملی، بدون بحث از دشمنان خارجی در عرصه بین الملل؛ مثل آمریکا و توجه به وضعیت جهان اسلام، کامل نیست. از این رو، در این مقاله، انقلاب اسلامی در سه سطح ملی، جهان اسلام و بین المللی مورد توجه قرار گرفته است.

بحث ما صبغه نظری یا فقهی یا فلسفی هم نخواهد داشت، بلکه با مصادیق روشن، جزئی، عینی و مشخص سر و کار خواهیم داشت که امام خمینی آن جریان و یا حادثه و یا مسأله را با تطبیق بر آیات قرآن تحلیل نموده و در مواردی بر اساس این تحلیل، راه کار ارائه نموده اند و همین تلاش، نوآوری مقاله حاضر است که این کار را از نمونه هایی؛ نظیر «مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی» (لک زایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷-۷۷) و «تفسیر سیاسی مفاهیم قرآنی از دیدگاه امام خمینی» (دانشیار، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹-۵۴) متمایز می کند.

مفهوم شناسی انقلاب

انقلاب از منظر امام خمینی «حرکتی» است که از متن جامعه برخاسته و بر اساس خواسته ها و تقاضاها و اراده مردم شکل گرفته باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۶). انقلاب، اگر برای خدا باشد، هیچ ضرر و خسروانی ندارد (همان، ج ۵، ص ۳۵-۳۴). بر این مبنا انقلاب «حرکت» است و حرکت دارای شش رکن است: مبدأ، مقصد، زمان، مکان، محرک و متحرک. محرک و علت محدثه انقلاب مردم اند، زمان انقلاب اسلامی از ۴۲ تا ۵۷ بود و زمین آن ایران بود. هدف و مقصد انقلاب، حاکمیت قرآن بود و محرک آن ها اسلام و روحانیت بود.

البته پیام انقلاب جهانی بود؛ چنان که دشمنان آن هم جهانی بودند. به دیگر سخن، انقلاب اسلامی جامع سه عنصر است: ۱. مکتب، ۲. امت و ۳. امام. اگر ملت در صحنه حضور نداشته نباشد، با کودتا مواجه خواهیم بود. اگر رهبری در صحنه حاضر نبود، با شورش مواجه می شدیم (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۹-۱۲۰). اگر مکتب غایب بود،

هماهنگی و تولید و تجمیع قدرت انجام نمی‌شود؛ مکتب یا ایدئولوژی یا به تعبیر دیگر دین اسلام، ضوابط و قانون حرکت، مسیر حرکت و هدف حرکت را ارائه می‌کند که توسط امام و رهبر در اختیار امت قرار می‌گیرد و میان آن‌ها هماهنگی و وحدت برقرار می‌کند که در نتیجه باعث تجمیع و تولید قدرت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۷؛ شفیع‌فر، ۱۳۷۸، ص ۴۵؛ باباپورگل افشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷ و حقی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷-۱۰۹).

مفهوم‌شناسی روش تطبیق

این روش را با همین نام، امام خمینی به کار برده است. روش تطبیق به این معناست که باید بر اساس مقصد قرآن، وضعیت موجود انسان و جامعه را به قرآن عرضه کرد و قوت‌ها و ضعف‌های آن را دریافت. از این راه است که قرآن به عرصه‌های مختلف زندگی؛ اعم از علمی و عملی و از انقلاب اسلامی راه می‌یابد. امام خمینی ۱ می‌فرماید:

یکی از آداب مهمه قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفادات بی‌شمار نایل کند، «تطبیق» است و آن‌چنان است که در هر آیه از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶).

امام خمینی، خود، پس از تعریف تطبیق، مثال‌هایی را هم ذکر می‌کنند. ایشان می‌فرمایند مثلاً باید در قصه حضرت آدم ۷، بررسی کنیم تا بدانیم دلیل طردشدن شیطان با آن همه عبادت، از بارگاه قدس چه بوده تا خود را از آن آلودگی تطهیر کنیم؛ چرا که مقام قرب الهی جای پاکان است و با اوصاف و اخلاق شیطانی نمی‌توان در آن بارگاه قدس قدم گذاشت. امام خمینی در ادامه می‌فرماید از آیات قرآن استفاده می‌شود که دلیل سجده‌نکردن ابلیس برای حضرت آدم ۷، خودبینی و عجب و استکبار بوده و به همین دلیل گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف (۷): ۱۲). ایشان وارد تطبیق این آیه می‌شوند و می‌فرمایند ما از اول عمر، شیطان را ملعون

نامیدیم؛ در حالی که خود به اوصاف خبیثه او متّصف هستیم. باید بدانیم که آن چه سبب طرد شدن شیطان از درگاه قدس است، در هر کس دیگری هم که باشد، او نیز مطرود بارگاه قدس است. در نقطه مقابل هم تفکّر کنیم و ببینیم دلیل برتری آدم 7 بر ملائکه الله چه بوده تا ما نیز به مقدار طاقت به آن متّصف شویم (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶).

چنان‌که گفته شد، مراد از تطبیق این است که وقتی آیه‌ای را خواندیم، وضعیت و نزدیکی و دوری خودمان و یا جامعه، سیاست، اقتصاد، رسانه، مطبوعات، فرهنگ و... را با آن آیه بسنجیم. مثلاً وقتی در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال (۸): ۲)، باید این خصوصیات را بر خود منطبق کنیم و ببینیم تا چه میزانی این خصوصیات در ما وجود دارد. بررسی کنیم که رابطه اضلاع مختلف جامعه با این آیه چیست؛ مثلاً در حوزه نظام سیاسی از قدرت‌های استکباری می‌ترسد یا از خدای بزرگ؟ آیا به خدا توکل دارد یا برای حل هر مشکلی، دست به دامن دیگران می‌شود؟ آیا دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که مدیریت جامعه را بر عهده دارند، جامعه را به سمت توکل به خدا و خوف از خدا و افزایش ایمان قلبی هدایت و مدیریت می‌کنند یا هدف‌شان فقط کسب قدرت و ثروت است؟ این تطبیق کمک می‌کند تا نسبت وضعیت موجود و آن دانش و تفکری که افراد، سازمان‌ها و نهادها را اداره می‌کند، با قرآن روشن گردد و در گام بعد، اصلاح و تقویت شود. حضرت امام در برخی از آثارشان به این آیه اشاره داشته‌اند، از جمله (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۴۳).

در ادامه، مثال‌های دیگری بر اساس این روش و با استناد به فرمایشات امام خمینی 1 ذکر می‌کنیم. این مثال‌ها بر اساس استقرا از آثار مکتوب و شفاهی امام خمینی گردآوری و در سه محور کلی ساماندهی شده است. البته مثال‌ها بیش از این است که در این جا آمده، اما آنچه هدف ماست، این است که تعامل و کاربست روشمند امام خمینی را که از آن با عنوان «تطبیق» تعبیر نموده‌اند، میان قرآن و حوادث روز نشان دهیم.

کاربست قرآن مجید در مسائل ایران و انقلاب اسلامی

در این بخش، کاربرست قرآن مجید را با استناد به فرمایشات امام خمینی راجع به مسائل گوناگون ایران و انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کارآمدی روش تطبیق در اصلاح برداشت‌های سیاسی غلط

گرچه ممکن است که این روش غلط هم به کار بسته شود، اما جالب این است که توانایی اصلاح برداشت‌های غلط از قرآن مجید را هم داراست. بنابراین، به پاسخ این پرسش که آیا ممکن است در مواردی این روش به صورت غلط مورد استفاده قرار بگیرد، مثبت است و در زمان خود حضرت امام این اتفاق رخ داده است. شخصی به امام خمینی^۱ نوشته بود بر اساس فرمایش قرآن، خداوند سلطنت و حکومت را به هرکس که بخواهد، اعطا می‌کند: «تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران (۳): ۲۶)، اکنون هم خداوند قدرت را به شاه داده است، حال چرا شما با او مخالفت می‌کنید؟ امام خمینی، بنا به گفته خودشان، به آن شخص اصلاً جواب ندادند، اما توضیح دادند که این سخن و این اعتقاد، برابر با تکذیب قرآن است. امام خمینی چنین استدلال کردند که سلطنت فرعون و نمرود را هم خداوند به آن‌ها داده بود، پس چرا حضرت موسی و حضرت ابراهیم^۲ با آن حکومت‌های طاغوتی مخالفت کردند؟ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۴۸) می‌بینیم که با در نظر نگرفتن مقصد و هدف قرآن و تطبیق ناقص و نداشتن نگاه متعالی به قرآن، این کتاب آسمانی به آسانی به نفع ظالمین قابل مصادره شدن است. بنابراین، لازم است در تطبیق آیه با مصداق، اهداف و خطوط کلی و به تعبیر امام خمینی، مقاصد قرآن را هم در نظر گرفت و آن خطوط و مقاصد، همان حق و باطل و عدل و ظلم است؛ به این معنا که قرآن هرگز باطل و ظلم را تأیید و حمایت نمی‌کند و حق و عدل را محکوم نمی‌نماید.

قیام برای خدا

امام خمینی در پیامی مهم که به عنوان «یکی از تاریخی‌ترین اسناد مبارزاتی» ایشان به شمار می‌آید و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۳ آن را نوشته‌اند، تصریح فرموده‌اند که تنها راه

اصلاح دو جهان، قیام الله است. امام خمینی با تطبیق این آیه بر انقلاب، از مردم می‌خواهد که برای خدا در صراط مستقیم حرکت و انقلاب کنند. در واقع امام با تطبیق این آیه بر ایران و نیز جهان اسلام، جرقه انقلاب را می‌زند و بذر انقلاب را می‌افشاند. ایشان بر این باورند که قیام برای خدا، ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و موسای کلیم را با یک عصا بر فرعونیان چیره نمود و تمام تخت و تاج آن‌ها را به باد فنا داد و خاتم النبیین ﷺ را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت پیروز نمود و بت‌ها را از خانه خدا برانداخت (همان، ج ۱، ص ۲۲).

امام خمینی قیام کردن را قسمی از بیداری می‌دانند که در آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» (سبأ (۳۴): ۴۶) به عنوان تنها موعظه خداوند به بشر ذکر شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۴۳). امام خمینی بر اساس الگوی حرکت و این‌که انقلاب حرکت است و محرک و انگیزه می‌خواهد، با اشاره به همین آیه می‌فرماید یکی از مطالبی که ظاهر این آیه به آن اشاره دارد، این است که نهضت و قیام که می‌کنید «لله» باشد: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ؛ یعنی خودتان هستید، «لله» قیام کنید. جمعیت و گروه هم که هستید، باز قیام‌تان «لله» باشد؛ فقط قیام نباشد. قیام در نهضت‌های گوناگونی که در جهان برپا می‌شود، وجود دارد، آن چیزی که خداوند متعال فقط به آن بشر را موعظه فرموده است، این است که قیام‌تان «لله» باشد؛ آلوده به هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی و آلوده به دنیا نباشد (همان، ص ۲۴۳-۲۴۴).

امام خمینی معتقد است که در پناه قیام لله، معرفت الله، فدایی برای الله و فداکاری برای اسلام به همراه می‌آورد (همان، ج ۱۸، ص ۱۲۶) و باعث می‌شود که حتی در صورت متحمل شدن شکست، در واقع پیروز باشد (همان، ج ۸، ص ۸). زیرا «اگر قیام لله شد، پشتوانه‌اش هم الله است» (همان، ج ۱۳، ص ۱۳۸-۱۳۷) و الله هم شکست‌ناپذیر است. بنابراین، محرک انسان دو عامل است: یا شیطان و یا خدا. اگر قیام و محرک انسان لله باشد، آدمی پیروز و سعادتمند است، حتی اگر در ظاهر شکست بخورد و اگر محرک انسان لِلنفس و هواهای نفسانی و منافع حزبی و میهنی و گروهی و ... باشد، شکست و شقاوت او حتمی است، حتی اگر در ظاهر پیروز شود. این است آن منطقی

که امام خمینی 1 بر اساس آن، مردم ایران را به قیام علیه رژیم ستم‌شاهی دعوت می‌کرد.

نقد نمایندگان مجلس شورا و سنا

امام خمینی با تطبیق بخشی از آیات قرآن بر کارگزاران رژیم پهلوی، آن‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. ایشان می‌فرماید:

عالمی که تزکیه نشده است، خطرش از جاهل بسیار زیادتر است. جاهل اگر فاسد هم باشد، خودش فاسد است. اما عالم، اگر فاسد باشد، عالم را فاسد می‌کند، کشور را به فساد می‌کشد. تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است، بعد «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». اگر کتاب و حکمت با پرورش و تزکیه توأم نباشد، خروجی آن همین موجوداتی می‌شود که در مجلس سنا و در مجلس شورای قبل از انقلاب بود(همان، ج ۱۲، ص ۹۴).

تشبیه طلاب سرباز به حضرت موسی 7

وقتی شاه طلاب و روحانیون را به سربازی اجباری فرستاد، امام خمینی فرمودند شما سربازان حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) که به پادگان‌ها کشیده شده‌اید، تعلیمات نظامی را با شجاعت فرا بگیرید. سپس با استفاده از روش تطبیق می‌فرمایند باشد که هم چون حضرت موسی 7 که در آغوش فرعون بزرگ شد و اساس ظلم و جور او را در هم پیچید، شما هم در فرصتی مناسب و تحت دستور مقام صالحی بتوانید ریشه‌های فساد و ظلم را از بیخ و بن برآورید(همان، ج ۲، ص ۴۵۲). ملاحظه می‌شود که امام خمینی 1 حضور سربازان در پادگان‌های رژیم پهلوی را بر حضور حضرت موسی در قصر فرعون مصر تطبیق داده‌اند. روشن است که این نگاه سراسر امنیتی، سیاسی و معنوی و الهی، برگرفته از قرآن کریم و منطبق بر آیات قرآن کریم است.

تشبیه شاه به فرعون

از تطبیق‌های بسیار جالب امام خمینی این است که ایشان در دوم آذرماه ۱۳۵۷ در

«نوفل لوشاتوو» بعد از توبه فریب‌کارانه محمدرضا پهلوی، بر اساس قرآن مجید انجام داده است. ایشان می‌فرماید ملت ایران چند خواسته داشت: اولین خواسته او این بود که این شخص و بلکه این سلسله نباشد. در مقابل، شاه تشبثاتی کرد و دست و پای زد، شبیه آن تشبثی که فرعون کرد. فرعون بعد از این که عذاب نازل شد و دید که الآن نزدیک است غرق شود، گفت من هم ایمان آوردم: «أَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ» (یونس (۱۰): ۹۰). جواب این بود که اکنون ایمان آوردی؟! حال آن‌که قبلاً معصیت می‌کردی! «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس (۱۰): ۹۱). بعد امام وارد تطبیق می‌شود که شاه هم بعد از این که سال‌ها مرتکب خیانت و جنایت شده، آن وقت که عذاب نازل شد و عذاب هم همین فریادها و مشت‌های گره کرده ملت ایران است که یک مسأله الهی است و نه یک مسأله بشری، حالا که خودش را در این امواج خروشان و در حال غرق شدن دیده، اظهار ندامت می‌کند و می‌گوید که من تا حالا اشتباه کردم و حالا دیگر از این به بعد این اشتباهات نمی‌شود. خطاب به مراجع عظام و علمای اعلام می‌گوید من دیگر توبه کردم! بیایید وطن را نجات بدهید! منظور از وطن را نجات بدهید؛ یعنی من را نجات بدهید، اما ملت قبول نکرده و نمی‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۸۵-۸۴).

علاوه بر این، امام خمینی ۱ از یک تفاوت محمدرضا پهلوی با فرعون هم پرده برمی‌دارد؛ البته توبه شاه یک فرق هم با توبه فرعون دارد و آن این که شاه از یک طرف اظهار توبه و از طرف دیگر دولت نظامی را به میدان آورده! فرعون این کار را نکرده بود. این از توبه گرگ هم بدتر است. همه کشتارهایی که واقع می‌شود، با دستور این شخص است (همان، ص ۸۵).

تجلی قدرت فرشتگان در انقلاب اسلامی

امام خمینی پدیدآمدن تحول در ایران اسلامی در جریان انقلاب و شجاعت در رویارویی با خطرات آن را بر اساس آیات قرآن به فرشتگان نسبت می‌دهد. وی معتقد است تحولی که در ملت ایران روی داد، تحولی الهی بود. تحول از ضعف و خوف و

تفرقه و تشتت و تردید و بی تفاوتی به قدرت، شجاعت، وحدت، تعاون، یقین، احساس مسئولیت و اشتیاق.

ایشان تصریح می‌کند آن تحولی که در ملت پیدا شد که از خوف به قدرت و از ضعف به قدرت تغییر نمود، این تحول، یک تحول الهی بود. دست بشر امکان ندارد که بتواند در یک ملتی این گونه تحول ایجاد کند. ملائکه الله شما را وادار کردند که بروید و این کارها را انجام بدهید (همان، ج ۱۱، ص ۵۳۳-۵۳۴) و با استناد به قرآن کریم به نقش آرامش‌گری فرشتگان الهی اشاره می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت (۴۱): ۳۰)، خداوند ملائکه بر شما فرو می‌فرستد و قلب‌تان را آرامش می‌بخشد که از کشته‌شدن و اعدام‌شدن نگران نشوید (همان، ج ۱، ص ۱۵۸).

تصویب قوانین

تصویب قوانین بر اساس آموزه‌های قرآن، وسیع‌ترین کاربست روش و نه تنها تأثیر که حضور قرآن در نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. به دیگر سخن، این‌جا انقلاب، قرآن را به صحنه اجتماعی و سیاسی زندگی مردم وارد می‌کند و رسماً به خدمت مقاصد قرآن درمی‌آید. امام خمینی 1 از شورای نگهبان می‌خواهد موسی‌گونه در برابر تصویب قوانینی که مخالف قرآن است، ایستادگی نمایند:

باید قوانین را بررسی نمایید که صد در صد اسلامی باشد. ... اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آن‌ها حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است، بایستید و حرف خدا را بزنید، ولو این‌که تمام بر شما بشورند. انبیا هم همین‌طور عمل می‌کردند؛ مثلاً موسی در مقابل فرعون، مگر غیر از این عمل کرد؟ مگر موافقی داشت؟ (همان، ج ۱۳، ص ۵۳).

تحلیل شکست آمریکا در طبس

وقتی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا در طبس با قدرت الهی در هم کوبیده شدند، امام خمینی این پرسش و پاسخ را در معرض وجدان تمام

انسان‌های بیدار قرار داد. آن پرسش این بود که چه کسی هلی‌کوپترهای آقای کارتر را ساقط کرد؟ و سپس پاسخ دادند، هلی‌کوپترها و هواپیماهای او را شن‌ها ساقط کردند؛ چون شن‌ها مأمور خدا بودند. باد هم مأمور خداست؛ قوم عاد را هم باد از بین برد (همان، ج ۱۲، ص ۳۸۰).

این‌که امام خمینی ۱ می‌فرمایند قوم عاد را باد از بین برد، برگرفته از این آیه شریفه است: «وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (حاقه (۶۹): ۶)؛ و اما عاد، به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند. لذا به نظر می‌رسد امام خمینی نابودی و هلاکت قوم عاد را بر نابودی هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا تطبیق داده‌اند که هر دو به وسیله باد نابود شده‌اند. این نگاه که باد و شن مأمور خدا هستند، از اعتقاد توحیدی به کلام خدا سرچشمه می‌گیرد: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فتح (۴۸): ۴). صاحب این اعتقاد هیچ‌گاه ناامید نمی‌شود و از هیچ چیز نمی‌هراسد. این نگاه، یک نگاه جدید در تحلیل مسائل سیاسی و بین‌المللی است که می‌توان آن را در علوم انسانی متعالی (لکزایی، ۱۳۹۷، ص ۶۲) مطرح کرد و نتایج آن را پی گرفت.

کاربست قرآن مجید در دفاع مقدس و در دفاع از مظلوم

امام خمینی در جریان تجاوز عراق به ایران فرمودند که ما قرآن را داور قرار می‌دهیم و آیه نهم از سوره حجرات را برای آن‌ها تلاوت می‌کنیم و می‌گوییم به این آیه عمل کنید:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات (۴۹): ۹)؛ اگر دو طایفه از مؤمنان با هم جنگ کردند، شما صلح‌شان بدهید و اگر طایفه‌ای از این‌ها به طایفه دیگر تجاوز کرد، همه‌تان مکلفید با او بجنگید تا به اطاعت خدا برگردد؛ وقتی به اطاعت خدا برگشت، به عدالت و قسط، صلح کنید.

امام خمینی 1 می فرمود:

اگر نیروهای عراقی در خاک ما هستند، پس بنا بر فرمایش قرآن کریم، عراق متجاوز است و باید با او مبارزه کنید. البته ما از مبارزه مسلحانه شما گذشتیم و امیدی نداریم که این کار را انجام دهید؛ پس حداقل صدام را محکوم کنید و اگر این کار را هم انجام نمی دهید، بی طرف باشید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۴۸).

به این ترتیب، امام خمینی کاملاً کاربردی، با تطبیق آیه بر صدام ظالم، از کشورهای اسلامی که مدعی اسلام بودند، خواست که بنا به فرمایش قرآن با ظالم و متجاوز بجنگند و اگر نمی جنگند، او را محکوم کنند و اگر هم محکوم نمی کنند، دست کم بی طرف باشند. این برداشت امام خمینی از قرآن با روش تطبیق است و از نشانه های تولید علوم انسانی متعالی مبتنی بر قرآن است. منطقی که خدامحور است و نه قدرت محور.

تجلی قدرت فرشتگان در دوران دفاع مقدس

امام خمینی می فرماید:

ما از خدا می خواهیم که با آن جنود غیبی که دارد و با آن ملائکه اللّه که هست، به ما کمک بفرماید و می فرماید. لکن شرط این است ما به عهد خود باقی باشیم؛ عهدی که با اسلام داریم؛ حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی (همان، ج ۱۵، ص ۴۰۳-۴۰۴).

در این فراز، شرط به دست آوردن یاری فرشتگان و در واقع استفاده از این منبع قدرت، پاسداری از اسلام، کشور اسلامی و مسلمانان ذکر شده است و روشن است که حفظ اسلام با ابزار قدرت صورت می گیرد و در صورت قیام مسلمانان برای وفای به عهد، خداوند به وسیله فرشتگان، جبهه مسلمانان را تقویت خواهد کرد.

در مواردی امام خمینی پیروزی رزمندگان اسلام را به دلیل یاری فرشتگان دانسته است: «مبارک باد بر شما عزیزان افتخارآفرین پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه اللّه و نصرت ملکوت اعلیٰ نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیة اللّه الاعظم

- اروحنا له الفداء - نمودید» (همان، ج ۱۶، ص ۱۴۲). در برخی موارد تعبیر عاطفی بیان می‌کند که ریشه در برهان و قرآن و عرفان دارد و خطاب به رزمندگان سپاه اسلام می‌فرماید: «شما را ملائکة اللّٰه فراموش نخواهد کرد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۳۶).

کاربست قرآن مجید در جهان اسلام

در این بخش، کاربرد قرآن مجید را با استناد به فرمایشات امام خمینی که ناظر به جهان اسلام است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اخوت و برادری

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات (۴۹): ۱۰).

امام خمینی می‌فرماید این آیه یک حکم اخلاقی است که البته در آن حکم اجتماعی هم مطرح شده و علاوه بر این، جهات سیاسی نیز دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۳۲). مرحوم آیه‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، استاد بزرگوار امام خمینی هم بر راهبرد برادری به عنوان حکمی سیاسی که در اجرای اهداف اسلام نقشی کلیدی دارد، تأکید داشته و معتقد بودند: «اخوت از احکام سیاسیه الهیه است، برای اجرای مقاصد اسلامیه» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

بر اساس این آیه، کشورهای اسلامی برادر یک‌دیگرند. امام خمینی با تطبیق این آیه بر جهان اسلام که همه برادر یک‌دیگرند، راه حل مشکلات جهان اسلام را هم عمل به همین آیه می‌داند و می‌فرماید:

ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌ها و دولت‌های مسلمان با هم برادر باشند و برادرانه و با نظر محبت و دوستانه با هم رفتار کنند، هیچ یک از ابرقدرت‌ها نمی‌تواند به آن‌ها تجاوز کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۳۴-۱۳۱).

امام خمینی 1 در این زمینه آیه اخوت را بر انقلاب کبیر اسلامی ایران تطبیق می‌دهد و می‌فرماید همان‌طور که ملاحظه کردید، وقتی ملت ایران با هم متحد شدند و

برادروار با هم و در کنار هم بودند و به برادری اسلامی خود توجه داشتند، قدرت‌های بزرگ نتوانستند در مقابل آن‌ها مقاومت کنند (همان، ص ۱۳۲). لذا وقتی جهان اسلام هم متحد بشود، هیچ قدرتی یارای مقابله با او را ندارد. بنابراین، عمل کردن به همین یک آیه باعث ایجاد و تقویت و گسترش هم‌دلی و هم‌گرایی و محبت و صمیمیت در جهان اسلام می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۸-۱۱۵ و امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۴۰).

نپذیرفتن ولایت یهود و نصارا

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده (۵): ۵۱).

به نظر می‌رسد بر اساس این آیه، اتخاذ دشمن مشترک، محور هم‌گرایی جهان اسلام در نظر گرفته شده است. امام خمینی این پرسش را مطرح می‌کند که چرا با این‌که ما در جهان اسلام این قدر مخازن، زمین‌های زیاد و بلکه همه چیز داریم، باید تحت سلطه دو ابرقدرت باشیم؟ پاسخ قرآنی امام خمینی این است که حکومت‌های جهان اسلام، بر خلاف سفارش قرآن، یهود و نصارا را به عنوان دوست انتخاب کرده‌اند. چند نکته در این جا وجود دارد: نکته اول این است که امام خمینی یهود و نصارا را به سرکش و غیر سرکش تقسیم می‌کند و منظور از یهود و نصارا در این آیه را یهود و نصارای سرکش [و ظالم] می‌داند و نه همه یهود و نصارا. نکته دوم این است که امام خمینی معتقد است حاکمان جهان اسلام، نه فقط دوستی حکام یهودی و مسیحی؛ مثل آمریکا و رژیم غاصب اسرائیل را پذیرفته‌اند که نوکری آن‌ها را هم قبول کرده‌اند و علت این نقص بزرگ را اختلاف و تفرقه بین مسلمانان می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۴۵۶-۴۵۵). نکته سوم آن است که امام خمینی بر اساس همین آیه از دو مدل اسلام نام می‌برند و در واقع جهان اسلام و حکام جهان اسلام را بر اساس این آیه کریمه به دو دسته تقسیم می‌کنند. ایشان در پاسخ خبرنگار تلویزیون سی - بی - اس آمریکا که می‌پرسد:

حضرت امام، آقای سادات رئیس جمهوری مصر که یک مرد بسیار مذهبی و مسلمان هست، گفتند که - با عرض معذرت از جسارت که گفته ایشان نیست - این که شما آبروی اسلام را می‌برید. در واقع ایشان جسارتش را به حدی رسانده که حضرت امام را یک مرد دیوانه توصیف کرده! ممکن است استدعا بکنم که حضرت عالی نظرتان را در مورد این اظهارات آقای سادات بفرمایید؟ (همان، ج ۱۱، ص ۷۸).

بر اساس روش تطبیق آیه‌ای از قرآن، بر انور سادات، ظاهراً کریمه «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده (۵): ۵۱) چنین پاسخ می‌دهند: «در قرآن کریم هست کسانی که با دشمن‌های اسلام دوستی می‌کنند، این‌ها مسلم نیستند. آقای سادات ادعای اسلام می‌کند، لکن با دشمن‌های اسلام به مسلمین حمله می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۷۹-۷۸).

بنابراین، اگر مسلمین و حکومت‌های جهان اسلام در انتخاب دوست و دشمن دقت نمایند و به تعالیم قرآن توجه و عمل کنند، دوست و بلکه تابع و خادم بیگانگان نمی‌شوند و برای مقابله با دشمن مشترک اسلام اصیل و عقلانی در صف واحد قرار می‌گیرند. چنان‌که روشن است، مباحث روز جامعه توسط امام خمینی با تطبیق بر آیات قرآن تبیین و مشکل و راه حل آن ارائه شده است.

کار بست قرآن مجید در عرصه بین الملل

در این بخش، کار بست قرآن مجید را با استناد به فرمایشات امام خمینی که ناظر به عرصه بین المللی و جهان است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبارزه جهانی با درآمدهای نامشروع

آیه‌ای که امام خمینی بر اساس آن تحولات داخلی و خارجی کشور را تصویر نموده‌اند، این آیه است:

«لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّخْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده (۵): ۶۳)؛ چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار

گناه[آلود] و حرامخوارگی شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است، آن چه انجام می‌دادند.

امام خمینی در توضیح این آیه می‌فرماید خداوند در این آیه، «ربانیون» و «احبار»؛ یعنی علمای دینی یهود را مورد نکوهش قرار می‌دهد که چرا ستم‌کاران را از «قول اثم»؛ یعنی گفتار گناه‌کارانه که اعم از دروغ‌پردازی و تهمت و تحریف حقایق و امثال آن است و از «اکل سحت»؛ یعنی حرام‌خواری نهی نکرده و باز نداشته‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). به تعبیر اصولیون، امام خمینی مورد را مخصص نمی‌داند و توضیح می‌دهد بدیهی است که این نکوهش و تقبیح، به علمای یهود و نصارا اختصاص ندارد، بلکه شامل علمای جامعه اسلامی و همه علمای دینی می‌شود. بنابراین، علمای دینی جامعه اسلامی هم اگر در برابر رویه و سیاست ستم‌کاران ساکت بنشینند، مورد نکوهش و تقبیح خدا قرار می‌گیرند. این امر، فقط مربوط به سلف و نسل گذشته نیست؛ نسل‌های گذشته و آینده در این حکم یک‌سانند (همان). به این ترتیب، امام خمینی راه تطبیق این آیه را بر جامعه و امت اسلامی باز می‌کند و با این سخن که آیه اختصاص به یهودیان دارد، کاربست و بلکه جریان آیه را متوقف نمی‌سازد.

امام خمینی در ادامه معنای برداشت مضیق و تطبیق آیه بر مصادیق جزئی و کم‌اهمیت را مورد نقد قرار می‌دهد و می‌فرماید: «از آن‌جا که دایره فکر عده‌ای از دایره همین مسجد تجاوز نمی‌کند و جولان و گسترش ندارد، وقتی گفته می‌شود «اکل سحت»؛ یعنی حرام‌خواری فقط بقال سر کوجه به نظرشان می‌آید که (العیاذ باللّه) کم‌فروشی می‌کنند!» (همان، ص ۱۱۵). ایشان می‌فرماید:

دیگر آن دایره بزرگ حرام‌خواری و غارت‌گری به نظر نمی‌آید که یک سرمایه بزرگ را می‌بلعند؛ بیت‌المال را اختلاس می‌کنند، نفت ما را می‌خورند، به نام نمایندگی کمپانی‌های خارجی کشور ما را بازار فروش کالاهای گران و غیر ضروری بیگانه می‌کنند و از این راه پول مردم را به جیب خود و سرمایه‌داران بیگانه می‌ریزند. نفت ما را چند دولت بیگانه پس از استخراج برای خود می‌برند و مقدار ناچیزی هم که به هیأت حاکمه

هم‌دست خودشان می‌دهند، از طرق دیگر به جیب خودشان بر می‌گردد و اندکی که به صندوق دولت می‌ریزد، خدا می‌داند صرف کجا می‌شود(همان).
امام خمینی با این معنای وسیع، بدون این‌که از معنای ظاهری آیه عدول کنند، آیه را به وادی علوم انسانی و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌برند و صریحاً می‌فرمایند: «این آیه یک «اکل سحت» و حرام‌خواری در مقیاس وسیع و در مقیاس بین‌المللی است» (همان). ایشان سپس مصادیق دیگری از اکل سحت را برمی‌شمارند:

در قراردادهایی که حکام ستم‌کار و ضد ملی با دولت‌ها یا شرکت‌های خارجی می‌بندند، میلیون‌ها از پول ملت را به جیب می‌زنند و میلیون‌ها از پول ملت را عاید خارجی‌ان و اربابان خود می‌کنند. این‌ها جریان‌ات سیل‌آسایی از حرام‌خوری است که پیش چشم ما صورت می‌گیرد و هنوز ادامه دارد؛ چه در تجارت خارجی و چه در به اصطلاح قراردادهایی که برای استخراج معادن یا بهره‌برداری از جنگل‌ها و سایر منابع طبیعی بسته می‌شود یا برای کارهای ساختمانی و راه‌سازی یا خرید اسلحه از استعمارگران غربی و استعمارگران کمونیست(همان، ص ۱۱۶).

امام خمینی بر اساس این تحلیل، نتیجه می‌گیرند که:

ما باید جلو این غارت‌گری‌ها و حرام‌خوری‌ها را بگیریم. همه مردم موظف به این کار هستند، ولی علمای دینی وظیفه‌شان سنگین‌تر و مهم‌تر است. ما باید پیش از سایر افراد مسلمان به این جهاد مقدس و این وظیفه خطیر اقدام کنیم. ما به خاطر مقام و موقعیتی که داریم، بایستی پیش‌قدم باشیم. اگر امروز قدرت نداریم که جلو این کارها را بگیریم و حرام‌خواران و خائنین به ملت و دزدان مقتدر و حاکم را به کیفر برسانیم، باید کوشش کنیم این قدرت را به دست بیاوریم و در عین حال، به عنوان حداقل انجام وظیفه، از اظهار حقایق و افشای حرام‌خوری‌ها و دروغ‌پردازی‌ها کوتاهی نکنیم. وقتی قدرت به دست آوردیم، نه تنها سیاست و اقتصاد و اداره کشور را درست می‌کنیم، بلکه حرام‌خورها و دروغ‌پردازها را شلاق می‌زنیم و به کیفر می‌رسانیم (همان).

آمریکا شیطان بزرگ

ایشان در عرصه جهانی و بین المللی هم از این روش بهره برده‌اند؛ چنان که در کنگره عظیم حج، خطاب به مسلمانان جهان فرمودند:

این کنگره سراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد ﷺ برپا می‌شود و از هر گوشه دنیا و از هر فَج عمیق در آن اجتماع می‌کنند، برای منافع ناس است و قیام به قسط است و در ادامه بت‌شکنی‌های ابراهیم و محمد است و [ادامه] طاغوت‌شکنی‌ها و فرعون زدودن‌های موسی است و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بت‌ها و طاغوت‌های جهان‌خوار می‌رسد که همه مستضعفان جهان را به سجده خود و ستایش خویش فراخوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمان‌بردار خویش دانند؟ ... و کدام بت از شیطان بزرگ، آمریکای جهان‌خوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگ‌تر و کدام طاغوت و طاغوت‌چه از طاغوت‌های زمان ما بالاترند؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۸۹).

شیطان دشمن انسانیت است و کار او فریب دیگران؛ با این هدف که او را عبادت کنند: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس (۳۶): ۶۰)؛ تار و پود روحیه او را هم استکبار تشکیل داده است: «وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (ص (۳۸): ۷۴). امام خمینی با استفاده از منطق قرآن، آمریکا را مصداق شیطان بزرگ و فرعون و نمرود از یک طرف و از سوی دیگر، وی را یک بت جهان‌خوار می‌داند که باید هم چون موسی و ابراهیم و محمد با این طاغوت منحوس و شیطان لعین مبارزه کرد. این اعتقاد امام نیز در نگاه روش‌شناسانه ایشان به قرآن ریشه دارد که با دقت و استادی تمام و با فهم عمیق و دقیق و صحیح و روشمند قرآن کریم و تطبیق آن بر مصادیق عینی و خارجی، کارآمدی و ظرفیت بی‌کران قرآن را به زیبایی به رخ جهانیان می‌کشد.

برائت جهانی از آمریکا

امام خمینی 1 بر اساس آیه کریمه «أَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» (توبه (۹): ۳)، اعلان برائت از مشرکان و ملحدان

استکبار جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار را با توحید پیوند می‌زند و آن را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج می‌داند و تصریح می‌فرماید که باید «در تجدید میثاق «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (اعراف (۷): ۱۷۲) بت آلهه‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۱۴). شاید بتوان گفت کلیدی‌ترین و مهم‌ترین نقطه استراتژیک حج و «مرحله اول مبارزه» (همان، ص ۳۱۶) که هم در انقلاب اسلامی ایران و هم در حج پیگیری شد و می‌شود، معرفی دشمن مشترک همه مسلمین و دعوت از مسلمانان جهت نفی و ابراز تنفر و نفرت از او است و این پیام جهانی و بشری انقلاب و منطق اسلام است که «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره (۲): ۲۷۹)؛ نباید ظلم کنید و نباید بگذارید به شما ظلم بشود و اعلان برائت آغاز زیر ظلم نظام سلطه نرفتن است.

بر همین اساس، امام خمینی با ظرافت تمام، از زوار ایرانی که توانسته‌اند نظام شاهنشاهی را ساقط کنند و دست اجانب و به ویژه آمریکا را از کشورشان کوتاه کنند، به عنوان کسانی یاد می‌کند که حقیقت برائت از مشرکان را به نمایش گذاشته‌اند و بت‌های شرق و غرب را در هم شکسته‌اند:

بیت الله الحرام و کعبه معظمه، زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی - محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۳۴).

ذکر این نکته هم لازم است که باید حساب کافر و مشرک و مظلوم را از مستکبر جدا کرد؛ چون اگر کافر از مرز کفرش نگذرد، می‌توان با او زندگی مسالمت‌آمیز داشت و قرآن می‌فرماید: با سران کفر بجنگید: «و قاتلوا ائمة الکفر» (توبه (۹): ۱۲)؛ به این دلیل که: «إِنهم لا إيمان [نه لا ایمان] لهم» (توبه (۹): ۱۲)؛ یعنی قدرت‌های استکباری تابع احترام قطعنامه‌ها، قراردادها، سوگندنامه‌ها و پیمان‌ها و اصولاً پای‌بند هیچ تعهدی نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵ و آیه ۷ و ۸ سوره ممتحنه). معنای برائت که «اکنون مهم‌ترین خبر در جهان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴)، همین مطلب است.

نقد مکتب مارکسیسم

امام خمینی 1 با استفاده از آیات قرآن، منطق ماتریالیستی کمونیست‌ها را نقد نموده و به گورباچف رئیس جمهوری شوروی می‌نویسد:

هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد و همان‌طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است. قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست، وگرنه دیده می‌شد «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره (۲): ۵۵) [می‌فرماید]: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام (۶): ۱۰۳) (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۲۲ و جواد آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

به این ترتیب، امام خمینی 1 با تطبیق دیدگاه مارکسیست‌ها بر آیات قرآن، دیدگاه آن‌ها را به چالش می‌کشد.

نتیجه‌گیری

موضوع مقاله حاضر تبیین کاربست قرآن مجید در انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی بود. انقلاب اسلامی دارای پیام جهانی و دشمنان بین‌المللی است. از این رو، علاوه بر بررسی کاربست قرآن در سطح ملی، در دو بخش انقلاب و دفاع مقدس، به دو سطح دیگر کاربست قرآن کریم در عرصه جهان اسلام و سطح بین‌المللی پرداختیم. امام خمینی با استفاده از روش تطبیق، این کار را انجام داده است که در این مقاله به تحلیل و تبیین برخی از آن کاربست‌ها با روش استقرا اشاره کردیم. برخی از نتایج تحقیق عبارتند از:

۱. قرآن مجید مهم‌ترین منبع فکری امام خمینی بوده است. رهبری که بزرگ‌ترین، مردمی‌ترین و معنوی‌ترین انقلاب جهان را رقم زد و بهترین مکانیزم انتقال قدرت را در ایران ارائه نمود که در مرحله اجرا هم امتحان خود را پس داده است.

۲. قرآن مجید متنی زنده و به روز است که با مراجعه روشمند به آن، می‌توان وضعیت موجود ملی، جهان اسلام و جهان را تحلیل نمود و به نقاط قوت و ضعف و

فرصت و تهدید آن پی برد و برای برون‌رفت از مشکلات، راه‌های کاربردی و راهبردی ارائه داد.

۳. علی‌رغم تلاش‌ها و کارهای انجام‌شده از یک سو نهادهای مختلف قرآنی در معرفی و تبیین ظرفیت علمی قرآن آن‌چنان که شایسته باشد، عمل نکرده‌اند و از طرف دیگر، جامعه علمی کشور در حوزه علوم انسانی نتوانسته از ظرفیت علمی، به روز و ارزشمند قرآن استفاده نماید.

۴. قرآن مجید ظرفیت تبدیل شدن به مرجعیت علمی در تمام رشته‌های تدوین‌شده و تدوین‌نشده علوم انسانی و از جمله علوم سیاسی را دارد.

۵. پیشنهاد می‌شود کاربری قرآن در اندیشه امام خمینی در سایر حوزه‌های علوم انسانی مورد توجه محققان و نهادهای علمی دانشگاهی و حوزوی قرار گیرد.

یادداشت‌ها

۱. این پیام، یکی از تاریخی‌ترین اسناد مبارزاتی امام خمینی به شمار می‌آید و اصل نسخه خطی آن در کتاب‌خانه وزیری یزد نگهداری می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، ج ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸.
۳. امام خمینی، سید روح الله، آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰، ۱۳۷۰.
۴. امام خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۴، ۱۳۹۰.
۵. امام خمینی، سید روح الله، تقریرات فلسفه امام خمینی، تقریر عبدالغنی اردبیلی، ج ۲ و ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳۸۱.
۶. امام خمینی، سید روح الله، تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی، دفتر بیستم تبیان، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵، ۱۳۸۸.

۷. باباپور گل افشانی، محمدمهدی، انقلاب اسلامی ایران (زمینه‌ها و فرآیند شکل‌گیری)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۰.
۸. حقی، محمد، انقلاب اسلامی؛ مبانی و ویژگی‌ها با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۷.
۹. جوادی آملی، عبدالله، آوای توحید، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص، به کوشش محمدامین شاه‌جویی، قم: اسراء، ۱۳۸۱.
۱۱. دانشیار، علیرضا، تفسیر سیاسی مفاهیم قرآنی از دیدگاه امام خمینی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۷.
۱۲. شاه‌آبادی، محمدعلی، شذرات المعارف، توضیح و تقریر: آیه‌الله نورالله شاه‌آبادی، تهران: سازمان انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. شفیعی‌فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، گزیده انقلاب اسلامی، تهران: نشر کتاب سیاسی، ۱۳۷۲.
۱۵. لکزایی، رضا، مؤلفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۴.
۱۶. لکزایی، رضا، مبانی علوم انسانی از منظر قرآن کریم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ۹، ۱۳۹۷.
۱۷. لکزایی، نجف، مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۸. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۸۰.
۱۹. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
۲۰. مصباح‌یزدی، محمدتقی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.